

## رویکرد معنوی و تربیتی به الگوی پیشرفت بازشناسی آسیب‌های انگیزشی و شناختی در عصر ارتباطات سهیلا چگینی<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف این مقاله بررسی و استخراج آسیب‌های انگیزشی آموزه‌های اخلاقی و مسائل شناختی در عرصه تربیت دینی و عمل به آن است. یکی از چالش‌های اساسی در نظام تربیت کنونی، عدم استقرار نگرش جامع توحیدی در متربی است که این نقیصه خود را در فضای آکنده از شبهه‌افکنی عصر حاضر بیش از گذشته نمایان کرده است. راه برون رفت از این تعارضات، ارائه الگویی مستدل و روشن در خصوص چگونگی استقرار نگرش توحیدی در فرد و جامعه است تا بتواند راهگشای مسائل تربیتی به ویژه در فضای دو جهانی شده کنونی باشد. محوری‌ترین عنصر در آموزش و گسترش تعلیم و تربیت مبتنی بر وحی، رفتار و منش اخلاقی مریبان است که در عصر رسانه‌های نوین ارتباطی، این مسئله همچنان دارای اهمیت است. از این رو، بازشناسی آسیب‌های انگیزشی مریبان در فرآیند تربیت، سبب توسعه کارکردهای مطلوب این عرصه می‌شود. دومین محور تحقیق در زمینه تربیت، راهبردهایی در زمینه حل مسائل شناختی و اجتماعی در عصر ارتباطات است.

### واژه‌های کلیدی: آسیب‌شناسی، انگیزه، شناخت، ارتباطات.

### ۱. مقدمه

مفهوم تربیت به معنای تحول جامع در ساحت‌های وجودی آدمی است که تمامی فعالیت‌های گوناگون مانند تعلیم، تدریس، تبلیغ و آموزش را دربر می‌گیرد. بنابراین، یکی از زیرمجموعه‌های تربیت، تعلیم است که صرفاً تحول در حوزه شناختی را شامل می‌شود.

تعلیم و تربیت اسلامی، انسان را از مرزهای تنگ ماده‌پرستی و طبیعت‌گرایی فراتر می‌برد و به سوی خدای متعال می‌کشاند و توحید را فلسفه جهان‌بینی و معاد را زندگی مطرح می‌کند و عقل و عمل را ملاک یافتن حقیقت و ضابطه رستگاری تلقی می‌کند (شریعت‌مداری، ۱۳۸۰، ۳۳). تربیت عقلانی، مجموعه تدابیر و اعمالی است که به طور منظم و سازمان‌یافته، موجب رشد و پرورش عقل در دو جنبه نظری و عملی آن در جهت دستیابی به هدف‌های مطلوب را فراهم می‌آورد (بهشتی، ۱۳۸۹، ۸۹). علم اخلاق که مبتنی بر تربیت و حیانی است، فنی مربوط به قوای نباتی، حیوانی و انسانی است و ملکات ارزشمند را از ملکات زشت جدا می‌سازد تا انسان با آراستن خود به ملکات خوب، سعادت علمی و عملی خود را به کمال برساند (طباطبائی، ۱۳۸۵، ۵۵۸).

پژوهش حاضر، از این جهت اهمیت دارد که به ترسیم تأثیر تربیت و حیانی بر اخلاق فردی و نظام اجتماعی می‌پردازد و به علاوه، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر بینش‌ها، عقاید و شناخت انسان، اخلاق و رفتار است. این مقاله در نظر دارد با تجزیه و تحلیل آسیب‌های انگیزشی مربی اخلاق و نیز آسیب‌های شناختی که جامعه رسانه‌ای کنونی با

<sup>۱</sup> - استادیار دانشگاه فرهنگیان، دکترای ارتباطات اجتماعی [دانشگاه علامه طباطبائی (ره)] - [s.chegini@cfu.ac.ir](mailto:s.chegini@cfu.ac.ir)

آن مواجهه است، زمینه‌های تعالی معنوی و تربیتی را برای رسیدن به رشد و پیشرفت جامعه فراهم سازد. در حقیقت، منشأ انکارها و تردیدها، چیزی جز کبر، حسد، بخل، هواپرستی و دنیا دوستی نیست و اعمال و رفتار ناشایست، ستمگرانه و ضد بشری انسانها جلوه‌های خلیات مخالف با وحی است و از سویی، منشأ روی آوردن به حقایق و حیانی و عقلانی و تقویت آنها و وارد گشتن به خیمه اهل یقین، اخلاق مطابق با وحی و فطرت است. سخت‌دلی، خودفراموشی، کوردلی و به‌طور کلی بینش نادرست نسبت به جهان و انسان، پیامد اخلاق و صفات روحی است که اغلب با تکرار رفتار پدید می‌آیند. در مقابل، هدایت، علم و حکمت، ایمان و یقین و در مجموع تربیت برگرفته از وحی که عامل تکوین بینش درست نسبت به جهان و انسان است، پیامد اخلاق و مراقبت در اعمال است که به تدریج پدید می‌آید.

بنابراین، هدف پژوهش آن است که با توجه به اهمیت تربیت و حیانی در مطالعه رویکرد معنوی و تربیتی به الگوی پیشرفت، از مفاهیم پیشین تربیت فراتر رفته و با تدوین چهارچوب نظری در زمینه آسیب‌های ارادی مری و هم‌چنین آسیب‌های شناختی مربوط به جامعه ارتباطی، به یافته‌های جدیدی دست‌یابد، به گونه‌ای که بتوان به مصادیق عینی‌تر این ارزش زیربنائی؛ یعنی تربیت و حیانی نزدیک شد و با ارائه پیشنهادات اصلاحی برای ارتقاء و تکمیل سند الگوی پایه، در زمینه رویکرد معنوی و تربیتی راهگشا بود.

ضرورت کاربردی تحقیق، شامل فراهم‌سازی بستر نظری مناسب برای نهادها و افرادی است که با عرصه تربیت و تأثیرگذاری بر اخلاق، بینش و رفتار دیگران مرتبط هستند. زیرا، تربیت مانند سایر عرصه‌های فعالیت بشری، در معرض آسیب‌ها و موانع می‌باشد که برخی از آنها فردی و وابسته به مری و شایستگی‌های ضروری او است. از این رو، نهادهای آموزشی و فرهنگی که با موضوع تربیت آحاد جامعه مرتبط هستند، باید دائماً در اندیشه رصد آسیب‌های درونی این عرصه باشند و ساختاری پویا برای نظارت مستمر جهت شناسایی، رفع و دفع آن طراحی نمایند. برخی آسیب‌ها نیز ساختاری می‌باشد که لازم است مسئولین نهادهای مرتبط دولتی آنها را شناسایی و سازوکارهای لازم را برای اصلاح قوانین و ضوابط جاری و ایجاد فرهنگ سازمانی مناسب در جهت گسترش زمینه تربیت و حیانی آحاد جامعه فراهم نمایند. وجهه همت این تحقیق بررسی دو گروه از آسیب‌ها است که جایگاه آسیب‌های گروه اول در انگیزه افراد و آسیب‌های گروه دوم ناظر بر چالش‌های اجتماعی در عصر جدید ارتباطات می‌باشد.

بنابراین، پژوهش حاضر مبتنی بر ارائه پاسخ به مسائل کاربردی عرصه تربیت و برگرفته از اصول کلی اخلاق است که مری باید در چهارچوب آنها حرکت کند. این فرآیند تکمیل‌کننده مبانی پایه برای پیشرفت حقیقی با ویژگی توحیدی و عقلانی است. همان‌گونه که بر اساس چشم‌انداز پیش‌نویس افق الگوی پیشرفت، عموم مردم ایران باید در جهت دینداری، سبک زندگی اسلامی ایرانی و تربیت‌یافته به تناسب استعداد و علاقه تا عالی‌ترین مراحل معنوی، علمی و مهارتی ارتقا یابند. هم‌چنین، اولین هدف در بخش تدابیر، گسترش تعلیم و تربیت و حیانی، عقلانی و علمی و تبلیغ دین از طریق عمل به آن است. از این رو، هدف این تحقیق، آن است که با نوآوری در تدوین الگویی جدید از مباحث نظری در زمینه نقش ارزش‌ها و اصول اخلاقی در تربیت و حیانی جامعه معاصر، در مقوله الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت کشور مشارکت نماید تا در حل چالش‌های کاربردی در عرصه تربیت گامی مؤثر برداشته‌شود. این پژوهش از حیث روش، از نوع نظری و بنیادی است و آسیب‌های انگیزشی و درونی تربیت و هم‌چنین مسائل شناختی و اجتماعی عصر ارتباطات، با روش توصیفی-تحلیلی<sup>۱</sup> مورد تبیین و تحلیل قرار می‌گیرد و بر مبنای یافته‌ها،

<sup>۱</sup> - Descriptive-Analytic Method

موانع درونی در اثربخشی فرآیند تربیت و نیز چالش‌های اجتماعی عصر کنونی شناسایی و برای حل آنها، راهبردهایی پیشنهاد می‌شود.

## ۲. طرح مسئله

تربیت توحیدی، حرکت انسان به سمت خدا و در هم نوردیدن انواع موانعی است که از گذرگاه شناخت، اراده و انتخاب و عمل عبور می‌کند و سبب می‌شود تا انسان موحد در ابعاد مختلف بینش، گرایش و عمل، متوجه خداوند شود و با درک حضور مؤثر و فراگیر او در متن هستی، در همه فعالیت‌ها، محرکی جز ذات حق نداشته‌باشد. استقرار این نگرش، خدا را بر سراسر وجود فرد حاکم می‌گرداند و در این سیر، شایسته مقام جانشینی او می‌شود. لکن، اگر در فرآیند تربیت، به ارائه مطالب نظری و دعوت به انجام امور عبادی بسنده شود و سپس اهداف میانی تربیت مانند مبادی آداب ظاهری شدن و رعایت شکل بیرونی عمل و دستورات شریعت جایگزین هدف متعالی توحید شود، صرفاً سیر ظاهری انسان مطمئن نظر قرار گرفته؛ در حالی که تربیت توحیدی معطوف به تحول درونی و سیر باطنی انگیزه‌های انسان به سوی خداست و مستلزم آن است تا تمام ارکان نظام تربیتی از مبانی و اهداف تا روشها و ابزار رنگ نقطه اوج یعنی توحید را داشته‌باشد و در یک سیر و توالی منطقی منجر به استقرار نگرش توحیدی در فرد شوند. براساس تعالیم اسلامی، تجلی حقیقت وجود آدمی در سایه نگرش توحیدی میسر می‌شود. رویکردهای رایج تربیت اسلامی، به علت عدم تبیین کافی مسئله اساسی توحید از سوی مربیان و عدم موفقیت آنان در برقراری اتصال مناسب میان این مباحث نظری با تربیت عملی متریبان به نتیجه لازم منتهی نمی‌شود. همچنین به علت عدم تناسب آموزش‌های ارائه شده با ویژگیها، ظرفیتها و ظرافت‌های مراحل سنی متعلمان، به طور عمده منجر به شکل‌گیری عقایدی به ظاهر اسلامی؛ اما آمیخته با انواع مختلف شرک آشکار و خفی می‌گردد و در بُعد عملی نیز فرد از برقراری رابطه توحیدی با خدا و سایر پدیده‌ها و بصیرت لازم برای درک موقعیت‌ها و شرایط مختلف زندگی باز می‌ماند. از این رو، تصویر صحیحی از وقایع در ذهن او منعکس نمی‌شود. چه‌آنکه انسان با فطرتی پاک و خدا آشنا پا به عرصه حیات می‌گذارد؛ اما به تدریج اسلوب‌های غلط سبک زندگی، سبب انحراف آینه شناختی او می‌شوند. به ویژه در جهان کنونی که جریان ارتباطات از شکل عمومی بودن، به شخصی شدن تغییر یافته‌است و دسترسی مخاطب به جریان اخبار و اطلاعات به شکل فردی صورت می‌گیرد. از این رو، به ویژه طیف جوان‌تر امکان بهره‌گیری از افراد باتجربه‌تر را از دست داده‌اند. رویارویی مخاطبان با پیام‌های متناقض و متنوع در عصر رسانه‌های جدید زیاد شده‌است، این مسئله می‌تواند سبب ایجاد بحران‌های ذهنی شود و آرامش نسبی مخاطبان پرمصرف را برهم زند.

به این ترتیب، زیستن در فضای ارتباطی و اطلاعاتی عصر حاضر با ویژگی ساخت‌زدایی آن، که بنیان‌های دین‌داری سنتی را در معرض تردید و شک‌های مخرب قرار داده‌است، ضرورت ارائه و استقرار لایه‌های عمیق‌تری از اخلاق‌مداری را اقتضا می‌کند؛ بنابراین، لازم است تا نسل جدید به صورت علمی و عملی با سطوح ژرف‌تری از توحیدورزی آشنا شوند. زیرا ارائه مباحث سطحی در این زمینه، پاسخگوی روح ژرف‌اندیش و تشنه حقیقت نسل حاضر نیست و ضرورت تغییر روش، امری لازم می‌نماید. بنابراین، در عصر حاضر که بشر سرخورده از دوران عقل‌گرایی افراطی مدرنیته و در تلاش برای رسیدن به ساحل آرامش ادیان به ویژه دین مبین اسلام است، به این جهت، ضرورت طراحی و تدوین نظام تربیت توحیدی که پیراسته از انواع و اقسام انحرافات و متناسب با اقتضائات زمان باشد جهت پاسخگویی به این نیاز جهانی بیش از هر زمان دیگر احساس می‌شود. رزاقی (۱۳۷۹) در پژوهشی ضمن معرفی توحید به عنوان محور تربیت علوی می‌گوید در نظام تعلیم و تربیت ایران بر هدف متعالی توحید تأکید نشده‌است. علم‌الهدی معتقد است اقدامات عملی انجام‌شده در نظام آموزش و پرورش به استقرار نگرش توحیدی در

متریبان منتهی نشده و نتیجه این اقدامات منطبق با اهداف قابل استناد به متون اسلامی، یعنی توحید نیست (علم‌الهدی، ۱۳۷۹). بنابراین، تحقیق حاضر نوعی بحث نظری بنیادی به شمار می‌آید و کوشش در جهت تعریف مفاهیم نیز در این بررسی می‌گنجد. فرضیه پژوهش آن است که تربیت از پیشران‌های جامعه اسلامی محسوب می‌شود که روح جامعه را برای پیشرفت کشور مهیا می‌کند. در این گستره، کلیه آحاد کشور قرار دارند و می‌توانند با انجام مسئولیت در جایگاه یک مربی و معلم اخلاق، برای تربیت خود و دیگران در نیل به پیشرفت کشور نقش اساسی ایفا کنند. مقاله حاضر کوششی برای بررسی آسیب‌های این امر خطیر و زیربنائی در شرایط کنونی جامعه است، با این هدف که بتواند زمینه‌ای برای تبیین دقیق‌تر این تعامل فراهم آورد. از این رو، انجام پژوهش برای پاسخ به این سؤالات است:

- هر یک از اصطلاحات تربیت، تعلیم و تربیت اسلامی، تربیت عقلانی، تربیت وحیانی، اخلاق و دین داری چه تعاریف و جایگاه مفهومی هستند؟
- کدام آسیب‌های درونی مربی در فرآیند تربیت، مانع اثربخشی تعلیمات است؟ برای رفع این موانع چه راهبردهایی وجود دارد؟
- چالش‌های شناختی و اجتماعی عصر کنونی در عرصه تربیت چیست؟ برای حل آنها چه راهکارهایی وجود دارد؟

### ۳. پیشینه تجربی تحقیق

#### الف- پژوهش‌های داخلی

در طول تاریخ بشر، معنویت به اشکال مختلفی تجلی یافته و در باره آن بسیار سخن گفته شده است. هر کس از دریچه‌ای به آن نگرسته و با تکیه بر بعد یا ابعادی از آن تعریفی ارائه کرده است (برزنونی، ۱۳۷۹، ۷۹). انسان به عنوان شاهکار خلقت، دارای مجموعه‌ای متنوع و متکثر از قابلیت‌ها و توانمندی‌های منحصر به فرد، بی‌همتا و کاملاً متمایز از حیوانات دیگر است. بنابراین، فرآیند تربیت و پرورش وی نیز باید در جهت رشد و بارور کردن این قابلیت‌های متعدد و متنوع باشد. از این منظر، اساساً تربیت انسان همانا راهی است برای گذر از قلمرو زیست حیوانی به سپهر زندگی انسانی (نقیب‌زاده، ۱۳۷۴، ۱۸). در این راستا، وظیفه تعلیم و تربیت رشد و ساختن انسان‌های کامل است. به طوری که فرد بتواند به ایده واقعی خود که نمونه کمال انسانی است نزدیک شود (بختیارنصرآبادی و نوروزی، ۱۳۸۲). تربیت دینی فراهم کردن زمینه شکوفایی فطرت توحیدی انسان و تجلی آن در عملکرد عبادی وی است. تربیت دینی، فرآیندی در جهت رسیدن متربی به توحید است (ابوطالبی، ۱۳۸۸، ۲۴). تربیت اسلامی خواستار تثبیت توحید در اندیشه، احساس و رفتار است و ایمان، نگرش یا موضعی است که مستلزم هر سه عامل شناختی، عاطفی و رفتاری است (علم‌الهدی، ۱۳۸۳، ۸۴). عنصر اصلی روش‌های عقلانی تربیت، عقل است که موهبتی مختص انسان است و تربیت‌پذیری به تمامی آحاد بشر اختصاص دارد. امام خمینی (ره) در خصوص این تربیت‌پذیری می‌گویند: اگر عقل، تحت تربیت رحمانی قرار گرفت، این جوهر عقلی، رحمانی بوده و وقتی از اختلاط خارج می‌شود یک موجود عقلانی رحمانی می‌شود و اگر تحت تربیت شیطانی قرار گرفته باشد، یک موجود عقلانی شیطانی می‌گردد (اردبیلی، ۱۳۸۵، ۷۷). عقل، هم از حیث شأن نظری خود، یعنی تشخیص و شناسایی حقایق عالم هستی و تشخیص و شناسایی نیک و بد اعمال و هم از حیث شأن عملیش، نیازمند علم است؛ پس عقل از علم، جدانشدنی است (بهشتی، ۱۳۸۶، ۱۵۳).

از دیدگاه غباری بناب و همکاران (۱۳۸۶)، معنویت ناظر بر وجود و حضور پدیده‌ها و مقوله‌هایی مانند ارتباط با خدا، اعتقاد به غیب، باور به رشد و بالندگی انسان در مسیر گذر از پیچ و خم‌های زندگی، تنظیم حیات فردی بر اساس ارتباط و درک حضور دائمی با وجود متعالی در هستی معنادار و جهت‌دار الوهی است. یعقوبی (۱۳۸۹) با استناد به تعریف و دیدگاه سازمان بهداشت جهانی که ابعاد وجودی انسان را شامل چهار بعد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی می‌داند، نقش و تأثیر قابل ملاحظه معنویت را در رشد و تکامل انسان مورد تأکید قرار می‌دهد. شهیدی (۱۳۷۹) معنویت را ناظر بر استفاده بهینه از قوه خلاقیت و کنجکاوای برای یافتن دلایل موجود و مرتبط با زنده ماندن و زندگی کردن دانسته است. بنابراین، آن را برای رشد واقعی فرد لازم و ضروری می‌داند. صمدی (۱۳۸۵) با استناد به دیدگاه‌های روان‌شناسانی مانند وست<sup>۱</sup> و واگان<sup>۲</sup> معتقد است که معنویت بیانگر تلاش همیشگی بشر برای پاسخ‌دادن به چراهای زندگی است. بنابراین، رشد معنوی هنگامی آغاز می‌شود که کودک به دنبال دلیل می‌گردد و درباره پدیده‌های پیرامون خود کنکاش و پرسش می‌کند. محمدنژاد و همکاران (۱۳۸۸، ۹۸) با استناد به دیدگاه ویگلز فورث<sup>۳</sup> معتقدند که معنویت نیاز ذاتی انسان برای ارتباط با چیزی فراتر است. البته این چیز یا پدیده فراتر می‌تواند در دو قالب تعریف گردد: نخست؛ چیزی مقدس، بدون زمان و مکان، یک قدرت بالاتر، یک منبع که شخص ترجیح می‌دهد به آن متصل شود و مورد هدایت قرار گیرد. دوم؛ در خدمت انسان‌های هم‌تا بودن و هم‌چنین به‌طور گسترده در خدمت جهان بودن. در تحقیق معلمی و همکاران (۱۳۸۹) ضمن تأیید رابطه میان معنویت و گرایش نداشتن به اعتیاد، به‌طور کلی رابطه میان معنویت و بهداشت روان مورد تأیید قرار گرفته است.

با عنایت به یافته‌های پژوهشی، توجه به شکوفایی و بالفعل نمودن ابعاد و ظرفیت‌های معنوی آحاد جامعه به عنوان یکی از مهم‌ترین زمینه‌ها و تجلیات یک انسان کامل مطرح و مورد تأکید قرار می‌گیرد. از این رو، فراهم ساختن زمینه‌های تربیت و رفع موانع و آسیب‌های این عرصه به منظور کشف و احیای معنویت و استعدادها و خصایل معنوی انسانها می‌تواند نقش حیاتی در پیشرفت و اعتلای کشور داشته باشد.

#### ب- پژوهش‌های خارجی

بررسی‌ها و مطالعات غربی نیز تأثیرات عمیق و ماندگار فعالیت‌های مذهبی و تجارب معنوی مانند دعا و نماز را بر کاهش فشارها و بیماری‌های جسمی و روانی تأیید و مستند کرده‌اند (تاکون<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۳). طی سالیان متمادی حاکمیت تفکر علمی<sup>۵</sup> و سیطره رویکردهای اثبات‌گرایانه<sup>۶</sup> و ذهنیت‌های کمیت‌گرا<sup>۷</sup> بر قلمرو فعالیت‌هایی که اثربخشی<sup>۸</sup> و کارایی<sup>۹</sup> فعالیت‌ها را در قالب معیارها و اهداف رفتاری<sup>۱۰</sup> و عینی، تعریف و تحدید کرده بودند، فرصت چندانی برای عطف توجه به ظرفیت‌های معنوی افراد به عنوان یکی از وجوه بارز و ممیزه انسان، باقی نگذاشته بود.

<sup>۱</sup> -West

<sup>۲</sup> -Vaughan

<sup>۳</sup> -Wiggles worth

<sup>۴</sup> -Tacon

<sup>۵</sup> -Scientific thinking

<sup>۶</sup> -Positivist approaches

<sup>۷</sup> -Quantitative mentalities

<sup>۸</sup> -Effectiveness

<sup>۹</sup> -Efficiency

<sup>۱۰</sup> -Behavioral objectives

در همین زمینه برتراند<sup>۱</sup> و ساکس<sup>۲</sup>، تأکید می‌کنند که توجه به علایق و دغدغه‌های معنوی<sup>۳</sup>، نمایانگر احیای مجدد معنویت در تعلیم و تربیت است که سالها تحت‌الشعاع تفکر رایج علمی و اثبات‌گرایانه قرار داشت. باید این نکته را نیز خاطر نشان ساخت که توجه به اهمیت و جایگاه معنویت در عرصه‌های مختلف زندگی از زمان ویلیام جیمز<sup>۴</sup> و نگارش کتاب وی با عنوان "تنوع تجربه‌های معنوی"<sup>۵</sup> در سال ۱۹۷۷ آغاز شد. از دیدگاه جیمز، معنویت موجب معناداری زندگی انسان و استفاده از رفتارهای عقلانی و منطقی جهت حل مشکلات می‌شود. به علاوه، معنویت باعث شکل‌گیری روابط اخلاقی و انسانی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به خود و دیگران می‌گردد (فرامرزی و همکاران، ۱۳۸۸). ساهو و پرادهان<sup>۶</sup> (۲۰۰۸) توجه به معنویت و روحانیت در برنامه‌های آموزشی را از دیدگاه گسترش آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی همچون ارتکاب جرم و جنایت، اعتیاد به مواد مخدر، مصرف مشروبات الکلی و بحران اخلاقی و ارزشی که در نتیجه رشد و پیشرفت‌های اقتصادی و فناوری دامن‌گیر جوامع انسانی و به یژه نسل جوان شده‌است، بسیار مهم و حیاتی می‌دانند. صاحب‌نظران مذکور با تأکید بر این‌که تعلیم و تربیت، کلید و راه اصلی دستیابی به معنویت و روحانیت<sup>۷</sup> است و این‌که واژه آموزش و پرورش<sup>۸</sup>، اساساً از نظر واژه شناختی به معنای بالفعل کردن ظرفیت‌های درونی و معنوی است، معتقدند که ما بر اساس فرهنگ موجود و غالب، همواره یاد گرفته‌ایم که میزان موفقیت یا شکست افراد را بر حسب معیارهای شناختی و عقلانی مورد قضاوت و ارزیابی قرار دهیم و اصولاً توجه چندانی به آشکار ساختن و بالفعل کردن ظرفیت‌های درونی و معنوی یادگیرندگان که وجه اساسی انسانیت آنهاست، نداریم. از دیدگاه تیسدل<sup>۹</sup> (۲۰۰۳)، معنویت یک بخش اساسی تجربه انسانی است که توجه به آن برای فهم و درک چگونگی رشد و تحول فرهنگی انسان در طول زمان و نیز نحوه ساخت و ایجاد معنا توسط وی بسیار مهم است. واگان<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۲) معتقد است، معنویت اصولاً به عنوان پدیده‌ای عام در همه انسانها وجود دارد؛ ولی رشد و پرورش آن مستلزم بسترهای آموزشی مناسب است. وی تأکید می‌کند که هر فردی می‌تواند یک فرد معنوی باشد؛ زیرا همه افراد نوعاً دارای دغدغه‌های غایی<sup>۱۱</sup> هستند. از سوی دیگر، واگان با نام‌بردن از مفهومی تحت عنوان بلوغ معنوی<sup>۱۲</sup> معتقد است که این ویژگی ناظر بر فهم دیگران و همدلی با آنها، صرف‌نظر از جنسیت، سن، قومیت و عقیده و نیز احترام‌گذاشتن به همه اشکال زندگی است. وی معتقد است که سبک‌های سه‌گانه دانستن یعنی حسی، عقلی و تأملی<sup>۱۳</sup> می‌تواند در رشد قابلیت‌های معنوی متعلمان مؤثر باشد. به‌ویژه سبک یا روش تفکر تأملی که با استفاده از فنونی مانند مراقبه و شهود انجام می‌شود، تجانس و ارتباط زیادی با رشد معنویت دارد. سیسک<sup>۱۴</sup> با اشاره به ویژگی‌ها و خصایص هوش معنوی و معنویت معتقد است که رشد و پرورش این ویژگی‌ها منوط به استفاده و فراهم کردن فرصت‌هایی برای مطالعه زندگی رهبران و پیشگامان معنوی، پیش‌بینی زمان لازم برای تأمل و

<sup>۱</sup> -Berterand

<sup>۲</sup> -Sacks

<sup>۳</sup> -Spiritual concerns

<sup>۴</sup> -William James

<sup>۵</sup> -The Varieties of Religious Experiences

<sup>۶</sup> -Sahu & Pradhan

<sup>۷</sup> - Education is key to spirituality

<sup>۸</sup> - Education

<sup>۹</sup> -Tisdell

<sup>۱۰</sup> -Vaughan

<sup>۱۱</sup> -Ultimate concerns

<sup>۱۲</sup> -Spiritual maturity

<sup>۱۳</sup> -Sensory, rational & contemplative

<sup>۱۴</sup> - Sisk

ژرف‌اندیشی در پدیده‌های پیرامونی، استفاده از یادگیری مبتنی بر حل مسئله در بررسی مسائل و پدیده‌های واقعی، اعتماد به ندای درونی، برپایی جلسات بحث آزاد برای گفتگو در مورد گرایش‌ها و باورهای معنوی و مذهبی، ایجاد فرصت برای طرح پرسش‌های بنیادی درباره هستی است (نقل از محمدنژاد و همکاران، ۱۳۸۸). هم‌چنین، ناسل<sup>۱</sup> (۶۳، ۲۰۰۴) با استناد به دیدگاه‌های علمی صاحب‌نظران مختلف، معتقد است که اصولاً رشد معنویت در فراگیران، از طریق ارائه فرصت‌های لازم به آنها برای مطرح کردن چرایی وقایع و رخداد‌های مختلف، تلاش برای برقراری و درک ارتباط و پیوستگی میان پدیده‌های عالم هستی، دقت و تأمل در آثار و جلوه‌های عالم کائنات، ژرف‌اندیشی، یادگیری و گوش جان سپردن به پیام‌های شهودی هدایت‌گر و یا ندای درون، رشد خودآگاهی، صداقت در سلوک فردی و اجتماعی و تمرین انطباق و سازگاری با مسایل و مشکلات زندگی، تسهیل و امکان‌پذیر می‌شود. کارل آلبرت<sup>۲</sup> (به نقل از میرلوحی، ۱۳۸۷، ۴۲۸) نیز بر این مدعا اذعان دارد که صرف بیان معارف دینی و توضیح مضامین و محتویات وحی به تنهایی موجب تربیت دینی نمی‌شود. از جمله الزامات تربیت دینی، یادگیری تعالیم دینی بر اساس تفکر و تأمل و عمل به آن در عبادات و شعائر است. زوهار و مارشال<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) با مرتبط دانستن مفاهیم هوش و معنویت، تأکید می‌کنند؛ همانگونه که رشد و پرورش هوش به عنوان یک قابلیت شناختی تا حدود زیادی وابسته به انجام تجارب و تمرینات مرتبط با حل مسئله<sup>۴</sup> است، پیگیری و کاوش عمیق و هدفمند پرسش‌های اساسی مربوط به چرایی و علت پدیده‌ها، وقایع و رویدادهای مختلفی که در نهایت نظم و هماهنگی در عالم هستی به وقوع می‌پیوندد، ضمن آن‌که متریبان را نسبت به وجود و حاکمیت یک مبدأ ماورایی (خداوند) مشعر و آگاه می‌سازد، در احیا و رشد نگرش‌ها و ظرفیت‌های معنوی و دینی آنها نقش به‌سزایی دارد. ویلبر<sup>۵</sup> (۲۰۰۰) با استناد به مفاهیم و تعاریف ارائه شده در مورد معنویت، ویژگیهای مشترک این تعاریف را این چنین شرح می‌دهد: الف) معنویت اصولاً مستلزم بالاترین سطح رشد و تکامل فرد در ابعاد مختلف رشد شناختی، اخلاقی، عاطفی و بین‌فردی است؛ ب) معنویت دارای خط سیر رشد و تحول خاص خود است؛ ج) معنویت در هر درجه از رشد، به مثابه نوعی نگرش (مثلاً باز و گشوده‌بودن نسبت به مبدأ غایی) است؛ د) معنویت ملازم با اوج تجربه<sup>۶</sup> انسانی است. به اعتقاد ویلبر، یک دیدگاه جامع و یکپارچه از معنویت شامل و دربردارنده همه خصوصیات مذکور است. از دیدگاه الکینز<sup>۷</sup> و همکاران (۱۹۸۸) معنویت به مثابه روشی برای بودن و تجربه کردن است که با کسب معرفت و آگاهی از یک بعد غیرمادی شکل گرفته است و ارزش‌ها و ویژگی‌های خاص آن متمایز می‌شود. تیسی<sup>۸</sup> (۲۰۰۳) معنویت را حس والایی می‌داند که شور، اشتیاق و گرایش انسان را نسبت به عدالت و انصاف افزایش می‌دهد و پیوند و اتصال انسان را با خود و جهان آفرینش پدید می‌آورد. پژوهش دافی<sup>۹</sup> (۲۰۰۵) نشانگر آن است رهبرانی که دارای توانایی‌ها و قابلیت‌های معنوی رشدیافته هستند، از توانایی و قدرت بیشتری برای مقابله با موانع، مشکلات و سختی برخوردار هستند و صفاتی همچون اراده و ایمان قوی، توجه و عمل به سجایا و فضایل اخلاقی و ظرفیت‌های خود-کنترلی<sup>۱۰</sup> را

<sup>۱</sup> -Nasel

<sup>۲</sup> - Karl Albert

<sup>۳</sup> - Zohar & Marshall

<sup>۴</sup> -Problem solving

<sup>۵</sup> -Wilber

<sup>۶</sup> - Peak experience

<sup>۷</sup> -Elkins

<sup>۸</sup> -Tacey

<sup>۹</sup> -Duffy

<sup>۱۰</sup> -Self-control

از خود بروز می‌دهند. پژوهش فابریکیترا<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۰) مؤید آن است که معنویت بر میزان رضایت از زندگی افراد تأثیر زیادی دارد و سطح رضایت بیشتر از زندگی را پیش‌بینی می‌کند. همچنین تحقیق بریلهارت<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) رابطه مثبت و معنادار میان عوامل معنوی و رضایت از زندگی را نشان می‌دهد.

مطالب ارائه شده، بخشی از مبانی نظری و پژوهشی است که از تأثیر تربیت معنوی در رشد ابعاد مختلف شخصیت انسان حمایت می‌کند. اغلب این مطالعات مؤید نقش تربیت بر رشد و تعالی شخصیت انسان است؛ اما به عوامل فردی و اجتماعی آسیب‌زننده در این فرآیند و چالش‌های جهان معاصر در این عرصه از منظر تعالیم دینی پرداخته نشده است.

#### ۴. چهارچوب نظری تحقیق

تربیت توحیدی معطوف به شکل بیرونی عمل و جلب رضایت خلق نیست؛ بلکه مبتنی بر درونی‌ترین انگیزه‌ها و نیات خالص برای خداست. در نتیجه، در چنین تربیتی، فرد در مراتب مقدماتی توحید متوقف نمی‌شود و در جهت رسیدن به مراتب بالاتر از اسلام و ایمان، مانند مراحل تقوا و یقین سیر می‌کند؛ بنابراین، محدود به برهه خاصی از حیات بشر نیست و سراسر زندگی را در بر می‌گیرد.

فعالیت اخلاق و حیوانی، در عرصه جهاد اوسط است، همان‌گونه که رزمنده در جهاد اصغر تلاش می‌کند و عرفان دست‌اندر کار جهاد اکبر است. تلاش اخلاق در دنیای اسلام آن است که انسان در مصاف فضایل با رذایل اخلاقی پیروز شود؛ اما عارف، قصد شهود حقایق را دارد. هدف رسمی بعثت، تزکیه نفس و تهذیب روح معرفی می‌شود و این غرض، با اصلاح اخلاق همراه است؛ به گونه‌ای که بخش مهمی از ره‌آورد وحی را توصیه‌های اخلاقی تشکیل می‌دهد؛ زیرا اخلاق ستوده، هم پشتوانه قانون است و هم مکمل و متمم آن. اهمیت تربیت اخلاقی در آموزه‌های مبتنی بر وحی، از این جهت است که اگر قرآن از غیرخدا نازل شده بود، در آن اختلاف فراوانی می‌یافتیم، ولی مبدأ وحی، خداست و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مجرای دریافت فیض قرآن در حالت مجرد تام عقلی و مأمور به قرائت آن است. قرآن، میزان و معیار سنجش است و هر اندیشه‌ای باید به محک کلام وحی زده شود<sup>۳</sup>. دین مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین فقهی و حقوقی است که خداوند آن را برای هدایت و رستگاری بشر تعیین کرده است؛ پس دین مصنوع و مجعول الهی است؛ یعنی قوانین فقهی و محتوای حقوقی آن را خداوند تشریح و جعل می‌کند؛ همان‌گونه که محتوای اخلاقی و اصول اعتقادی آن را تعیین می‌کند (جوادی‌آملی، ۱۳۹۲، ۷۳؛ ۱۳۷۲، ۱۱۵؛ ۱۳۸۲، ۷۳). برای پیراستن دل از غیرخدا و صیقل آینه فطرت، عقال بستن بر نفس سرکش با تعقل و تدبر و تفکر در آیات آفاقی و

<sup>۱</sup> -Fabricator

<sup>۲</sup> - Brillhart

<sup>۳</sup> - وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا (نساء، ۱۲۲)؛ وَ مَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا (نساء، ۸۷)؛ وَ الْقُرْآنَ الْحَكِيمَ (یس، ۲)؛ وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا (نساء، ۱۷۴)؛ وَإِنَّا لَنَلْقَى الْقُرْآنَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ (نمل، ۶)؛ وَ بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلَ (اسراء، ۱۰۵)؛ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا (مزل، ۵)؛ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (شعرا، ۱۹۳).

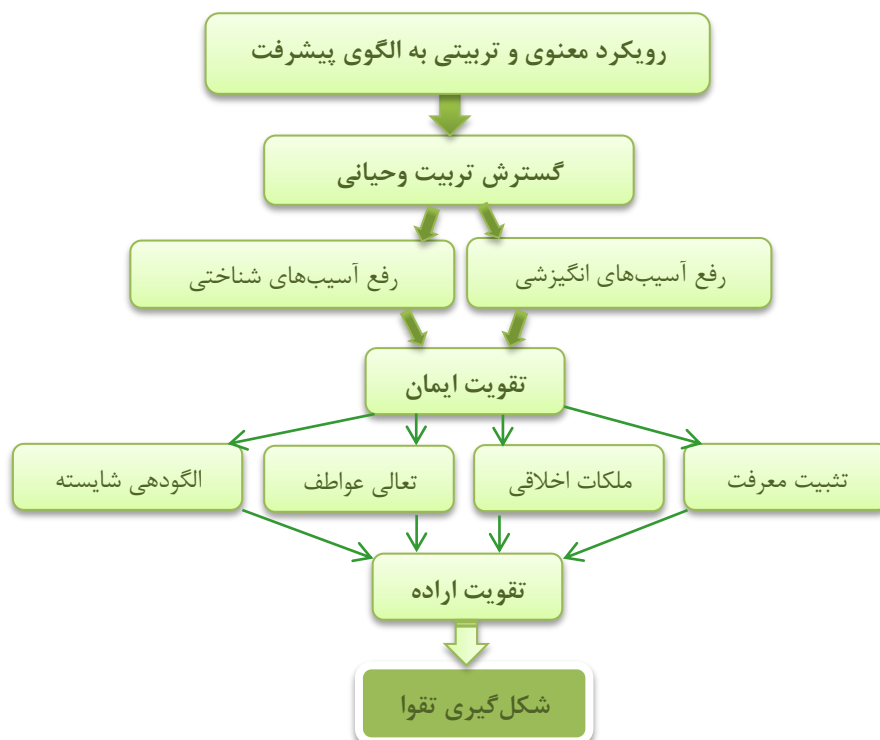


انفسی جهت دستیابی به معرفت صحیح، امری لازم و ضروری است که باید از گذرگاه همت و اراده و صبر و توکل و شکر و اخلاص به آن دست یافت. محبت به خدا، چشمه جوشانی را در درون انسان فعال می‌سازد که دریافت رضایت الهی و رسیدن به اطمینان و آرامش ثمره آن خواهد بود. بنابراین، گسترش تربیت مبتنی بر وحی، پرورش عقلانیت و علم و ترویج آموزه‌های اخلاق اسلامی از طریق عمل به گزاره‌های تربیتی، محورهای اصلی این عرصه است.

#### ۵. تحلیل الگوی آسیب‌های انگیزشی و شناختی در عصر ارتباطات

برخی ارزش‌ها و اصول در زمینه تربیت، به عصر و دوره خاصی اختصاص ندارند و ثابت هستند؛ هرچند مصادیق جدید مطرح شوند؛ مانند لزوم رعایت اصول صداقت و شجاعت در انجام وظیفه و خلوص نیت و رأفت نسبت به مخاطبان؛ برخی دیگر به دلیل تحولات اجتماعی و جهانی و گسترش ابزار ارتباطی، دچار تغییراتی در الگوهای رایج می‌شوند، که علاوه بر اهمیت شناسایی ویژگی‌های شرایط جدید، آسیب‌شناسی اصول تربیت نیز در این بخش قرار دارد. در واقع، چالش‌های اخلاقی به موضوعات کاربردی مربوط می‌شود که ناظر به محور دوم است و کانون توجه آن یافتن پاسخی اخلاقی برای موضوعات جدید و حل تعارض‌هایی است که جامعه مدرن با آن روبروست.

نمودار شماره (۱): الگوی چهارچوب مفهومی تحقیق



#### ۵-۱- تبیین آسیب‌های انگیزشی تربیت

در الگوی پایه پیشرفت در بخش مبانی دین‌شناختی آمده است: وحی الهی کامل‌ترین منبع معرفت و مصون از هرگونه خطا و در رتبه فراتر از ابزارهایی چون حس، عقل و شهود قرار دارد که تعارضی با عقل و علم قطعی ندارد. از این رو در برآیند مبانی پایه، پیشرفت حقیقی دارای ویژگی توحیدی، فطرت‌بنیان و عقلانی است. بر این اساس، از مهم‌ترین اقدامات پیشگیرانه در عرصه تربیت دینی، رصد کردن آسیب‌ها و ارائه راه حل مبتنی بر فرصت‌ها و قوت‌ها در هر عصری است.

#### ۵-۱-۱- التزام علم و عمل

تربیت اخلاقی، بخشی از برنامه تربیتی است که عهده‌دار شکوفایی استعدادها و علمی و عملی متریبان است؛ اما با وجود تلاش‌های مربیان، خلأهای بسیاری وجود دارد. این مسئله در شرایطی تأسفبارتر می‌شود که بدانیم افرادی، ارزش‌های اخلاقی را کم و بیش می‌شناسند و با این حال، در موارد زیادی برخلاف علم خود عمل می‌کنند، مسئله‌ای که موسوم به شکاف میان معرفت و عمل است.

پژوهش‌های مربوط به آسیب‌شناختی در حیطه تربیت دینی و اخلاقی در کشور نشان می‌دهند که در تربیت دینی و اخلاقی مدارس، حیطه شناختی غلبه دارد و حیطه‌های عاطفی و عملی مورد غفلت قرار می‌گیرند. همچنین، تأکید بیشتر کتاب‌های درسی و نیز معلمان بر انتقال اطلاعات دینی و اخلاقی و حفظ طوطی‌وار آنها توسط دانش‌آموزان، بخش دیگری از مسئله است (زمانی<sup>۱</sup> و دهقانی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸). این تحقیقات نشان‌دهنده استقلال معرفت یا شناخت نظری از اراده و عمل است و بیان می‌کند که انسان می‌تواند در عین داشتن علم یقینی به چیزی، آن را نپذیرد و به آن عمل نکند. نکته دیگر اثربخشی بیش‌تر پیام‌های تبلیغی عقیدتی و اخلاقی نسبت به پیام‌های تجاری یا سیاسی بر مخاطبان است. این امر به دلیل باور مربی به پیام عقیدتی ارائه‌شده و همبستگی او با محتوا است. از این رو، کلام و رفتار وی تأثیر فزاینده‌ای بر دریافت‌کنندگان پیام دارد.

راهبرد اصلی تبلیغ دین، اتصاف عملی پیروان آن به ارزش‌های دینی می‌باشد. راهبرد اساسی در این زمینه، داشتن الگوی عملی می‌باشد که به مراتب مؤثرتر و ماندگارتر از کلامی است<sup>۳</sup> (کلینی، ۱۳۶۵، ۷۸). به خصوص، وظیفه مربی هنگام انذار مخاطب، حساس‌تر است و باید آثار ترس از عاقبت در اعمال و رفتار او هویدا باشد. محور کلام خداوند<sup>۴</sup> به مربیان در این زمینه، نفی امر به معروف نیست؛ بلکه محور توبیخ، نسیان نفس و عمل نکردن خود آمر، به معروف است. به این معنا که خود آمر به معروف، علاوه بر یادآوری به دیگران، خود نیز عمل کند. و می‌فرماید<sup>۵</sup>: ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید؟ مربی در تربیت اخلاقی، فرد را به عمل ترغیب می‌کند تا در نهایت، ملکه فاضله و عمل اخلاقی به معنای واقعی در وجود فرد تکوین یافته و درونی شود. یکی از مهم‌ترین جلوه‌های التزام علم و عمل، ساده‌زیستی مربیان تربیتی است، تا حدی که به نمود بارز میزان صداقت و باورمندی خود مربی تبدیل شده است، و به هر درجه‌ای که مربی به زندگی تجملی نزدیک می‌شود، از نصاب مقبولیت عمومی او و تأثیر کلامش نزد مخاطبان کاسته می‌شود. گرایش به دنیا، وابستگی به طبیعت و دلبستگی به لذایذ و هراس از محرومیت‌های شهوانی و مانند آن، مانع عزم عقل عملی است. مقصد قراردادن جلوه‌های دنیا، همان دیدگاه غایت‌انگارانه به دنیا است که محور این نگرش، منافع خود و زینت‌های آن می‌باشد، هم‌چنین،

<sup>۱</sup> - Zamani

<sup>۲</sup> - Dehghani

<sup>۳</sup> - امام صادق (علیه‌السلام): كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ.

<sup>۴</sup> - اَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ اَنْفُسَكُمْ وَ اَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ اَفَلَا تَعْقِلُونَ (بقره، ۴۴).

<sup>۵</sup> - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ، كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (صف، ۳).

ابزار سرگرمی و پیامدهای آن، اخلاق و رفتار رذیله است؛ ولی، در نگاه ابزاری به دنیا، محور خدا است و دنیا و جلوه‌های آن، ابزار رسیدن به کمال و سعادت و زینت‌های آن ابزار آزمایش است.

### ۵-۱-۲- بهره‌برداری مناسب از علوم

استفاده برخی رسانه‌های ارتباطی از مطالب نادرست و استناد غیرواقعی آنها به منابع و آدرس‌های معتبر، یکی از روش‌های شکل‌دادن به سبک زندگی غیر وحیانی و ایجاد شبهه در مخاطبان است. بنابراین، ضرورت دارد مربیان بکوشند با ارتقای سطح علمی و عملی خود، از یک‌سو توانایی‌های علمی خود را بهبود بخشند و از سوی دیگر، علاوه بر گسترش آگاهی و سطح علمی مخاطبان، آنان را به پیگیری مستندات و اطمینان از منابع ارجاعی ترغیب نمایند. پرسش‌گری، ویژگی انسان‌های نقادی است که می‌کوشند بر دانایی خود از طریق جستجو و پژوهش و پرسش بیفزایند. سیره امام علی(علیه‌السلام) بر این بوده است که مردم را به سؤال کردن تشویق می‌کردند(نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۹). با این حال حضرت، توجه بیش از اندازه به شک و تردید در مسائل را رد و می‌فرماید: نشانه بدبختی آن است که شک، یقین را فاسد کند(تمیمی آمدی، ۱۳۶۶). یعنی شک و تردید باید آگاهانه و اندازه باشد. جان دیویی، ماهیت تفکر انتقادی را تردید سالم یا شک راهبردی معرفی می‌کند(مایرز، ۱۳۷۴، ۱۵). مربیانی که به جای پرداختن به چالش‌ها و حل ابهامات نسل جدید، به اموری اغراق‌آمیز و بدون استناد اشاره می‌کنند و به تحریف حقایق، خرافات یا توهمات دور از واقع دامن می‌زنند و یا به دلیل ناکافی بودن علم، ناخواسته نظر خود را به جای پیام دین، به مخاطب انتقال می‌دهند، به اهداف پنهان اندیشه‌ورزان جبهه رقیب در ایجاد شکاف میان مربیان دینی با عامه مردم، به ویژه نسل جوان، دامن می‌زنند.

### ۵-۱-۳- تلازم عقل در تعلیم آموزه‌ها

یکی از مهم‌ترین مطالبات مردم عصر نوگرایی، داشتن ظرفیت ثبوت عقلانی و مستدل برای آموزه‌های دینی است. در چنین فضایی، که این ذهنیت روز به روز در حال گسترش است، ضرورت دارد مربی حجیت عقل را به رسمیت بشناسد و آموزه‌های وحیانی را چنان ارائه کند که عقل‌ستیز نباشند. زیرا عقل در مقابل نقل است؛ نه شرع. تبیین منسجم، روشن، مستند و به دور از اغراق‌های عقل‌ستیز، عقلانیت مورد انتظار مخاطبان را ارضاء می‌نماید. به خصوص، هنگامی که مربیان از شبهات و انتقادات استقبال کنند و پاسخی قانع‌کننده تدارک نمایند، توقع مخاطب از عقلانیت آموزه‌های وحیانی را بیش‌تر برآورده می‌کنند.

تقوا رابطه نزدیکی با آزادی دارد و پایه و اساس آزادی است. تقوا از جهتی یعنی کنترل کردن تمایلات و پیروی از عقل(شریعت‌مداری، ۱۱۰، ۱۳۸۰). اسلام برای تربیت عقل و به‌کار بردن روش عقلانی، نخست عقل را از مطالب و محتواهایی که بر یقین استوار نیست، خالی می‌کند. برای تصفیه فکر و اندیشه از محتواهای نادرست مقرر می‌دارد که افراد از تقلید کورکورانه بپرهیزند، درباره همه چیز تحقیق کنند و بدون تفکر تابع اکثریت نباشند<sup>۱</sup>. پس از تصفیه عقل از محتواهای نادرست باید به گسترش محتوای درست و پرورش عقل اقدام نمود. تجربه‌اندوزی دومین وسیله برای پرورش عقل است. تصمیم و نظر هر فرد به تجربیات او بستگی مستقیم دارد(احمدی، ۱۳۶۸، ۲۰). مربیان باید چگونگی شناسایی میزان و ملاک‌های عقلی را برای مخاطبان تبیین نمایند تا در رویارویی با دستاوردها و علوم جدید بشری با دقت عمل کنند و با ژرف‌نگری به تطبیق آنها با موازین دینی خود بپردازند.

<sup>۱</sup> - وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ (اسراء، ۳۶).

## بهترین کتیراس الگوی اسلامی ایرانی؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی؛ مشرف؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

در صورتی که آنها را مطابق ملاک‌های حق یافتند از آنها بهره ببرند و در غیر این صورت از آنها بپرهیزند. امام رضا (علیه السلام)، تفکر را آینه تشخیص بدیها و خوبیها معرفی می‌کنند<sup>۱</sup> (جامع الاحادیث به نقل از قربانی، ۳۸۰).

### ۵-۱-۴- تمرکز بر ابلاغ

مربی دینی باید خود را عهده‌دار ابلاغ پیام دین بداند. با ایفای این رسالت به نحو احس، از عدم حصول نتیجه و یا مخالفت‌ها دچار یأس نمی‌شود و اجباری بر متعلم روا نمی‌دارد. زیرا خداوند صرفاً ابلاغ پیام خود به مردم خواسته<sup>۲</sup> و امر هدایت را خود متولی شده است. بنابراین، امر هدایت منوط به اراده خداوند شده است؛ اما هدایت‌های پروردگار مسلماً بدون حساب و حکمت نمی‌باشد و بی‌دلیل فردی را هدایت و دیگری را محروم نمی‌کند؛ بلکه افراد باید قبلاً با انجام اعمال خیر، شایستگی خود را برای هدایت احراز کنند تا از آن بهره‌مند گردند. منظور از هدایت الهی، هدایت تشریحی است که از طریق وحی و کتب آسمانی و ارسال پیامبران و اوصیای آنها، و همچنین درک عقل و وجدان صورت گرفته است، اما پیمودن راه در تمام مراحل بر عهده خود انسان است.

### ۵-۱-۵- عمل کردن به مقتضیات زمان

با توجه به استنادات دینی، علاوه بر اصول مشترک در ادیان آسمانی، دعوت هر پیامبری نظر به شرایط خاص زمان و اجتماع خود، ویژگی خاصی داشته و بر موضوع خاصی تأکید کرده است؛ به‌طور مثال در دعوت حضرت ابراهیم (علیه السلام)، بنیان‌گذار آیین توحید، مبارزه با خرافه، شرک و اندیشه بت‌پرستی مورد نظر بوده است<sup>۳</sup>. در دعوت حضرت لوط (علیه السلام)، به دلیل انحراف جنسی و اخلاقی قوم، بُعد اخلاقی دعوت بیشتر جلب نظر می‌کند<sup>۴</sup> و در دعوت حضرت صالح (علیه السلام)، توجه دادن مردم به دوری از اشرافی‌گری و تجمل‌پرستی و غرور ناشی از آن مطرح شده است<sup>۵</sup>. همان‌گونه که پیام رسالت و معجزه پیامبران در هر عصری مطابق با ویژگی‌های مردم آن جامعه بوده است، معلم اخلاق نیز باید در مواجهه با سؤالات و چالش‌های مخاطبان، اساس آسیب‌های جامعه را دریابد و متناسب با آن به ارائه راهکار بپردازد. برای مثال؛ گاهی ارتکاب معاصی و سهل‌گیری در انجام هنجارهای اخلاقی و وحیانی از القای ناخواسته امید و رجای افراطی و یا غلبه غریزه بر عقل حاصل می‌شود و عقل مزدور نفس می‌گردد، در این صورت لازم است مربی برای ایجاد تعادل، بیش‌تر به جنبه‌های اندازی آموزه‌های دینی بپردازد، تا تعادل خوف و رجا حاصل شود. محور مرکزی هدایت در کلام ذات حق، انذار معرفی شده است<sup>۶</sup>. زیرا همین مراتب ترس، می‌تواند به تدریج به شوق کسب بهشت و درجات بلند و تحصیل محبت ذات اقدس الهی منتهی شود. البته، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در حالی به انذار مردم می‌پرداختند که با آنان نرم‌خو بودند و به گفته قرآن، اگر خشن بودند مردم از اطراف ایشان پراکنده می‌شدند<sup>۷</sup>.

### ۵-۱-۶- تمرکز بر انگیزه

مربی موفق و شایسته در ابلاغ پیام باید نفوذ به نفوس و ذهن مخاطب را جانشین به گوش رساندن او نماید؛ از این رو، لازم است مربی بر انگیزه متعلم تأثیر بگذارد. البته پیش‌نیاز نفوذ در نفوس مردم، اتصاف مربی به ارزش‌های

<sup>۱</sup> - التَّفَكُّرُ مَرَاتُكُ تُرِيكُ سَيِّئَاتِكَ وَ حَسَنَاتِكَ.

<sup>۲</sup> - لَيْسَ عَلَيْكَ هِدَايَتُهُمْ وَ لَكِنِ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ (بقره، ۲۷۲).

<sup>۳</sup> - وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ إِنِّي بَرَاءٌ مِمَّا تُعْبُدُونَ، إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَبِّحُودِينَ، وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (زخرف، ۲۸-۲۶).

<sup>۴</sup> - أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ (شعرا، ۱۶۵).

<sup>۵</sup> - أ تَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ؛ وَ تَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ (شعرا، ۱۳۰-۱۲۸).

<sup>۶</sup> - إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ (نبا، ۴۰)؛ أَوْحَىٰ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لَأُنذِرَكُمْ بِهِ (انعام، ۱۹)؛ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ (حج، ۴۹).

<sup>۷</sup> - فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأُنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ (آل عمران، ۱۵۹).

اخلاقی است. در این صورت، صرف جاذبه معنوی او این ظرفیت را دارد تا در جانها تأثیر بگذارد.<sup>۱</sup> بلاغت در لغت به معنای وصول و انتها است و در اصطلاح عبارت است از مطابقت کلام با مقتضای حال و مقام نفسانی مخاطب؛ یعنی بیانی رسا که در دل و جان آنها نفوذ کند.

#### ۵-۱-۷- هدف نبودن افزایش پیروان

یکی از آفت‌هایی که عرصه تعلیم و تربیت را تهدید می‌کند، تمایل مربی به فزونی پیروان<sup>۲</sup>، به عنوان هدف اولیه است. اگر هدف مربی انتقال اطلاعات و عقاید، به قصد تأثیر بر بینش‌ها، گرایش‌ها و کنش‌های مطلوب در مخاطبان باشد و نه صرف انتقال مطالب و یا افزایش اطلاعات، در این صورت افزایش مریدان، به عنوان پیامد ثانوی مذموم نیست. اما اگر مریدپروری به شکل پنهان در ذهن مربی آموزه‌های دینی رسوخ نماید؛ علاوه بر از دست‌دادن پاداش آخروی و نیز کم‌شدن تأثیر تبلیغ، اگر پیروان خطایی از او ببینند، به سبب عدم اتصال به منبع اصلی وحی، دچار تزلزل در باورها و عقاید می‌شوند.<sup>۳</sup>

#### ۵-۲- تبیین آسیب‌های شناختی تربیت

آسیب‌های انگیزشی به دلیل قراردادن در عرصه اخلاقیات فردی و بهره‌گیری از عنصر اراده مربی از وضوح بیشتری برخوردار است؛ اما واکاوی آسیب‌های شناختی به دلیل تعدد عوامل اثرگذار عصر کنونی مانند گستردگی ارتباطات مجازی و در نتیجه تنوع روابط اجتماعی، ادغام فرهنگ‌ها میان جوامع مختلف، تعارض‌های اجتماعی و متعاقب آن ابهامات در موضوعات آموزه‌های اخلاقی، از پیچیدگی بیش‌تری برخوردار است.

#### ۵-۲-۱- دوج جهانی شدن و گسترش دامنه ارتباطات

اکنون با رشد و توسعه رسانه‌های نوین ارتباطی، زمینه ترویج آموزه‌های وحیانی در عرصه جهانی فراهم شده است؛ اما از سویی رواج شبهات، تخریب باورها و دستکاری ذهنی مخاطبان برای رسیدن به منافع مادی گسترده شده و متعاقب آن، سؤالات مخاطبان جوان نیز افزایش یافته است. از ویژگی‌های ابزار ارتباطی در عصر دوج جهانی (واقعی و مجازی) ظرفیت بالای نگهداری داده‌ها، انتقال متن، عکس، تصویر و صوت، تعامل دوسویه، اثربخشی و سرعت بالای دسترسی به اطلاعات است. آمار بالای کاربران فضای مجازی در ایران نشان می‌دهد جامعه ما تحت تأثیر تغییرات و دستکاری فرهنگی قرار دارد و اشاعه پیام‌های هدف‌مند فرهنگی و عقیدتی که در اتاق‌های فکر مالکان منظومه‌های شبکه‌های ارتباطی طراحی شده‌اند، به سهولت از طریق این فضا وارد کشور می‌شوند. از این رو، گسترش دامنه ارتباطات در سایت‌های اینترنتی، وبلاگ‌ها و اتاق‌های گفتگو، کارگزاران عرصه تعلیم و تربیت را با معضلات جدید و نوظهور روبرو کرده است. لذا لازم است بخشی از فعالیت‌های اساتید عرصه تربیت در فضای مجازی برگزار شود و مربیان اخلاق، از طریق تجهیز شدن به سواد رسانه‌ای با فناوری‌های نوین نیز همگام شوند. زیرا، اولین گام برای رسیدن به بصیرت رسانه‌ای، داشتن سواد رسانه‌ای است.

مطالعاتی در زمینه بررسی سواد رسانه‌ای بر رفتار مصرف‌کنندگان اطلاعات در فضای مجازی انجام شده است. براین اساس، از ۲۲۱ دانش‌آموز از پنج کالج در کره جنوبی نظرسنجی به عمل آمده است. این تحقیق با ارزیابی

<sup>۱</sup> - وَ قُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا (نساء، ۶۳)؛ ادْعُ لِي سَبِيلَ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (نحل، ۱۲۵).

<sup>۲</sup> - follower

<sup>۳</sup> - مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ (آل عمران، ۷۹).

سطوح سواد دیجیتالی و تقسیم آن به سواد فنی<sup>۱</sup>، سواد رقومی<sup>۲</sup> و سواد جامعه مجازی<sup>۳</sup>، سطح تأثیر این زیرگروه‌ها بر رفتار استفاده‌کنندگان از اطلاعات را تحلیل می‌کند. نتایج این پژوهش نشان داد سواد رقومی با میزان ۸۸,۴٪ دارای بیشترین تأثیر بر رفتار استفاده‌کنندگان از اطلاعات است، و سواد جامعه مجازی و سواد فنی در رتبه‌های بعدی قرار گرفتند. سواد رقومی مربوط به توانایی استفاده از اطلاعات از جمله جستجوی اطلاعات<sup>۴</sup>، تشخیص اطلاعات<sup>۵</sup>، ویرایش اطلاعات<sup>۶</sup>، پردازش اطلاعات<sup>۷</sup> و بهره‌گیری از اطلاعات<sup>۸</sup> است، و این موارد به نظر می‌رسد بیشترین تأثیر را در رفتار استفاده از اطلاعات دارند. بررسی دقیق هر یک از این موارد نشان می‌دهد که توانایی پردازش اطلاعات مهم‌ترین تأثیر را در رفتار استفاده از اطلاعات دارد و به دنبال آن، شناسایی اطلاعات، ویرایش اطلاعات، تجزیه و تحلیل جامعه، تشخیص سند و مدرک اطلاعات، به‌کارگیری تجهیزات و توانایی ایجاد فرهنگ سایبری به ترتیب در این تقسیم‌بندی قرار دارند. شاخص‌های سواد، استفاده از اطلاعات، توانایی برقراری ارتباط، شکل‌گیری هویت شخصی، جستجوی اطلاعات و ایجاد روابط کمترین تأثیر را در رفتار کاربر داشتند (ناو<sup>۹</sup>، ۲۰۱۶، ۳۱-۱).

سواد رسانه‌ای، به کاربران در جایگاه مربی یا متربی، توانایی شناخت نوع پیام، هدف پیام و چگونگی پیکربندی پیام برای ترغیب مخاطبان مختلف رده‌های سنی، جنسی، شغلی و فکری را می‌دهد. سپس کاربران با بهره‌گیری از سواد رسانه‌ای، ظرفیت بصیرت رسانه‌ای می‌یابند و می‌توانند صاحبان پیام، اهداف مالکان و ائتلاف‌ها، مقاصد و تعاملات میان اندیشه‌ورزان اتاق‌های فکر دشمنان کشور را شناسایی نمایند. از این رو، ضرورت دارد کارشناسان امر تربیت و اخلاق اسلامی نیز قادر به مخاطب‌شناسی و نیازسنجی باشند و بتوانند زمینه مشارکت فعال و بهینه مخاطب را برای تعامل در مباحث و موضوعات دینی و پرسش‌گری در این عرصه فراهم نمایند. شناخت صحیح مخاطب از منظر سن، جنس، محیط، زمان، سلیقه، عقیده، علاقه و چالش‌های فکری هر عصر و دوره، مقدمه‌ای برای شناخت نیازهای روحی آنها و افزایش جذابیت تعامل برای متربی می‌شود.

## ۵-۲-۲- اطلاعات محور شدن جامعه

معرفت، مقدمه ضروری هر عمل اختیاری و ارادی است. ابتدا باید به اخلاق فاضله عالم شد و سپس به آنها عمل نمود تا به تدریج تزکیه حاصل شود. در عصری که پایه‌های استعمار نو بر استعمار فرهنگی استوار است که سخت‌ترین نوع استعمار و شدیدترین نوع وابستگی است، انقلاب ارتباطی به عنوان ابزاری برای استعمار نو و جنگ نرم تلقی می‌شود. پیدایی صور نوین ارتباط و شبکه‌های بزرگ اطلاعاتی و ارتباطی زمینه‌ساز فضاهای اجتماعی جدید شده‌است؛ فضاهایی بدون مرز که روابط، ابعاد و مهارت‌های اجتماعی افراد را تحت تأثیر قرار داده‌است. ما در عصر گذر از جامعه صنعت‌محور به جامعه اطلاعات‌محور یا به عبارت دیگر، گذر از دنیای فیزیکی به دنیای مجازی هستیم. ورود به عصر اطلاعات و زندگی اثربخش در جامعه اطلاعات‌محور، مستلزم شناخت ویژگی‌های آن است (دایی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۲، ۷۱). رسانه اجتماعی برنامه کاربردی اینترنت محوری است که به افراد اجازه ایجاد و تسهیم مفاهیم را می‌دهد (کاپلن<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۰، ۶۱). امواج اطلاعات افراد را احاطه کرده و جوامع به سوی اطلاعاتی شدن می‌شتابند. در این

<sup>۱</sup> - technical literacy

<sup>۲</sup> - bit literacy

<sup>۳</sup> - virtual community literacy

<sup>۴</sup> - information search

<sup>۵</sup> - information discernment

<sup>۶</sup> - editing information

<sup>۷</sup> - processing information

<sup>۸</sup> - utilizing information

<sup>۹</sup> - Noh

<sup>۱۰</sup> - kaplan

میدان، هر ملتی در روند تولید و توزیع اطلاعات سستی نماید، محکوم به تقلید و تبعیت از دیگران است (تافلر، ۱۳۸۵). معلم اخلاق برای موفقیت در عرصه کنونی رسانه‌های تعاملی، می‌تواند برخی مباحث اساسی و احکام را در چهار محور برای متربیان تبیین نماید: ایجاد معرفت نسبت به مبانی هستی‌شناختی و انسان‌شناختی؛ فضیلت‌ها و ردیلت‌های اخلاقی؛ چرایی‌ها؛ روش‌ها و چگونگی‌ها و استدلال‌های اخلاقی. این امر، فضای یک‌سویه را تبدیل به فضای دوطرفه می‌کند و به مخاطب فرصت می‌دهد به گشودگی درونی بپردازد و ابهامات ذهنی خود را آشکار سازد و علاوه بر رخداد هشیارسازی در این تعامل، متربی به احساس رضایت و آرامش ناشی از رفع شبهات نیز نایل می‌گردد. لکن باید توجه داشت در شرایطی که انواع فریبکاری و تحریف اذهان از شیوه‌های رقیب در فضای ارتباطی است، قطعاً وظیفه مربی دینی، بیان حقایق بدون تسامح است؛ اما باید ممانعت از گسترش اختلافات و سوءاستفاده دین‌ستیزان و حفظ ضرورت وحدت میان مسلمانان نیز مطمح نظر قرار گیرد. در آوردگاه جهانی اندیشه‌ها، تلاش برای رسیدن به نقاط اشتراک میان عقاید و سبک‌های زندگی مختلف، مفید و ضروری است؛ اما گفتگو در خصوص نقاط افتراق نیز سبب کشف نقاط اشتراک بیشتر و باورهای متقن‌تری می‌شود. در حقیقت، اگر بخواهیم جنبه قدرت‌مندی از آموزه‌های متعالی در برابر باطل تشکیل دهیم، باید به تبلیغ ایجابی روی آوریم و تبلیغ سلبی را مگر به حد ضرورت کاهش دهیم. این راهکار، سبب ناکارآمدی رقیب در ایجاد تفرقه میان آحاد یک ملت و یا ملل و اقوام دیگر می‌شود؛ با این توضیح که حامیان هر دین و گروهی، بر نقاط قوت تمرکز نمایند و به دنبال برجسته‌سازی نقاط افتراق با دیگر گروه‌ها نباشند. این راهبرد، سبب شناساندن ویژگی‌های متعالی هر دین و یا جنبه فکری به مخاطبان خود و در سطحی فراتر به جهانیان می‌شود و به این ترتیب، با ایجاد روشننگری، به افزایش قدرت تشخیص و انتخاب صحیح انسانها می‌انجامد.

### ۵-۲-۳- وحدت روبه در انتقال فرهنگ

فرهنگ جامعه از طریق حاکمیت، آموزه‌های دینی، خانواده، رسانه‌های ارتباطی، ارزش‌ها، آداب، رسوم و هنجارهای آحاد جامعه، انتقال می‌یابد. این انتقال باید درونی شود و در نهاد انسانها جای گیرد. ارزش‌ها و فرهنگ جامعه به شرط درونی‌شدن، وارد چرخه نظام تقسیم کار<sup>۱</sup> و عرصه اجتماعی می‌شود و افراد با حفظ ارزش‌ها و به شکل خودکنترلی<sup>۲</sup>، انجام وظیفه می‌کنند. در چنین نظام اجتماعی، انسجام اجتماعی<sup>۳</sup>، ایجاد می‌شود که به شکل‌گیری ثبات اجتماعی<sup>۴</sup> می‌انجامد. بنابراین، وجود آسیب‌های متعدد در نهادهای خانواده، سیاست، اقتصاد، دین و تعلیم و تربیت ناشی از عدم درونی‌شدن صحیح و کامل ارزش‌ها و هنجارها است و به بازنگری کلیه افراد جامعه، اعم از والدین، معلمان، اساتید، رسانه‌های ارتباطی و به ویژه مربیان اخلاقی و دینی نیاز دارد تا در این بازخورد به اصلاح تربیتی و رفتاری بپردازند. یکی از ابعاد مهم اجتماعی کردن و درونی‌ساختن ارزش‌ها، ایجاد گرایش در متربی به اخلاق و ارزش‌های مذهبی است. در فرآیند بازسازی فرهنگ، باید بیشترین تکیه، به نیروی انسانی و آحاد مردم باشد، زیرا مسیر رسیدن به این مقصد، از طریق اصلاح باورها، عقاید و کنش‌های توده مردم می‌باشد. خداوند متعال برای انسان مقرر فرموده‌است که به اختیار خود و با پیروی از دستورات پیامبران و برنامه‌های آسمانی و با تلاش پیگیر، کسب تعلیم و تربیت کند و به مقام شایسته انسانی برسد، زیرا سرکشی غرایز حیوانی و ظلمات جهل و خواهش‌های نفسانی را جز با تربیت صحیح و الهی نمی‌توان مهار کرد. خداوند دعوت مردم به حیات طیبه را حیات واقعی انسان معرفی

<sup>۱</sup> -division of labor

<sup>۲</sup> - self control

<sup>۳</sup> -Social integration

<sup>۴</sup> - Social Solidarity

می‌کند<sup>۱</sup>، که در صورت واقع شدن این امر، اصلاح حکومت‌ها اتفاق خواهد افتاد. آفتی که در این عرصه وجود دارد، عدم ظرفیت برخی مخاطبان و گریز آنان از ساحت دین است، در این شرایط، برای جذب توده‌ها، نباید در ارائه معارف دین، تسامح ورزید و حق‌گویی را قربانی جذب حداکثری نمود. زیرا برخی افراد، اصلاح‌پذیر نیستند، و تساهل در برخی احکام نیز سودی ندارد و ناچار باید از همراهی و پذیرش ایمان آنها صرف‌نظر کرد. بنابراین، باید ابلاغ صحیح آموزه‌های وحیانی، پس از فراهم‌نمودن زمینه‌های روحی و روانی مخاطبان، هدف اصلی مربیان اخلاق و معنویت باشد.

در مجموع، مربیان بشر، به ویژه مربیان کودکان و جوانان و حکومت‌ها باید استعداد‌های خدادادی وجود انسانها را بشناسند و استخراج و شکوفا کنند، زیرا این استعدادها، معادن<sup>۲</sup> گوناگون تأمین‌کننده نیاز جوامع بشری برای سیر الی‌الله و تکامل هستند (شیخ صدوق، ۳۸۰؛ مجلسی، ۱۲۱).

#### ۵-۲-۴- عدم تقابل عقل با احکام عملی دین

مربیان دینی بر اساس آموزه‌های وحیانی، مردم را به عقلانیت فرامی‌خوانند؛ اما بخشی از دستورالعمل‌ها و احکام عملی دین، تبعدی است و یا مخاطب عام که مقدمات بحث را طی نکرده‌است، با مطالب عقلی و علمی ارائه شده ارتباط برقرار نمی‌کند و در نهایت، برخی از آموزه‌های دینی را فاقد استدلال و جنبه عقلی می‌شمرد، و در نتیجه، التزام عملی مخاطب سست می‌شود. حتی گاهی مربی ناخواسته کوشش می‌کند به کمک دستاوردهای علوم جدید، حکمت برخی احکام و آموزه‌ها را تبیین نماید، و به این ترتیب، مرجعیت را از ساحت نازل‌کننده آموزه‌های وحیانی به سمت عقل بشری، سوق می‌دهد و مخاطب نیز دستورات خدا را با محک عقل خود به نقد می‌کشد. از طرفی، بهره‌گیری از وجهه عقلانیت و عدم ارجاع به حکمت بالغه الهی، به تضعیف جانب تعبد منتهی می‌شود که باید این مسئله را که امروزه گستره تربیت وحیانی را متأثر کرده‌است، با راهکار دفاع عقلانی از روح تعبد، حل نمود. به این معنا که؛ تعبد، خود یک ارزش عقلانی در اخلاق به‌شمار می‌رود و از سوی دیگر، عقل بشر نیز دارای نقصان‌هایی هم‌چون محدودیت زمان است. در نتیجه، اصرار بر بیان حکمت‌های احکام به زبان علوم طبیعی و روز، سطح مطالبات صرف عقلی را افزایش می‌دهد و از آستانه ایمان تبعدی افراد می‌کاهد. حاصل چنین استدلال‌هایی، معرفت‌شناسی حسی محصور در مدار ماده و تنگنای طبیعت است. در حالی که خدای سبحان علت رفتار کژاندیشان طبیعت‌گرا را نسبت به پیامبران الهی، جمود متکی بر دانش محدود طبیعی می‌خواند<sup>۳</sup>.

#### ۵-۲-۵- بهره‌گیری خردمندانه از عنصر خیال

دو جهانی شدن در برهه کنونی، بر پیچیدگی نیازها و انتظارات مخاطبان در محیط زندگی افزوده‌است. در چنین شرایطی، اتاق‌های فکر مخالفان بشریت، تخریب ارزش‌ها و هنجارهای جوامع را در حوزه فضای مجازی نشانه گرفته‌اند و با کاربرد عوامل هیجانی و تحریک‌گرایی، عرصه را بر عقلانیت محدود و به این ترتیب، کاربران را جذب کرده‌اند. اتاق فکر رقیب در فضای مجازی از کاربرد حب و بغض نفس‌انگاره و مزینه بهره می‌برد که مرتبط با لایه شغاف<sup>۴</sup> قلب است و انسان را به غضب و شهوت سرگرم می‌سازد. این بخش از منظر معرفتی، در لایه سطحی‌تر و بعد از صدر قرار دارد و عامل سرگرم کردن انسان به شادی و غم است و نتیجه استفاده از برنامه‌هایی با این مضامین، انس

<sup>۱</sup> - یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ (انفال، ۲۴).

<sup>۲</sup> - پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ): النَّاسُ مَعَادِنُ كَمَعَادِنِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ.

<sup>۳</sup> - يَا حَسْرَةً عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (یس، ۳۰)؛ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَقَّ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ (غافر، ۸۳).

<sup>۴</sup> - شَغَفَهَا حُبًّا (یوسف، ۳۰).



و تسلیم مخاطب است. به بیان دیگر در چنین شرایطی، لایه عقلانی<sup>۱</sup> و خودآگاه<sup>۲</sup>، قدرت تشخیص حق و باطل را از دست می‌دهد و تسلیم نفس می‌گردد.

بنیان فکری و اقدامات ادوارد برنایز<sup>۳</sup>، پدر مهندسی تغییر ذهن<sup>۴</sup> در غرب که مشاور برخی رؤسای جمهور آمریکا بوده، بر این پایه است که لازم نیست ما نیاز افراد را بیابیم؛ بلکه آنقدر برای مردم میل می‌سازیم تا توده‌ها را کنترل کنیم. او معتقد است انسان حیوان خطرناکی است، پس باید دائماً مصرف‌کننده و شاد بماند تا فکر نکند و برده‌وار مطیع و راضی باشد. مدیریت دموکراسی نیز براساس تحریک امیال مردم و جهت‌دهی آنها به سوی مصرف کالاها و در نهایت با ارضای تمایلات آنها حاصل می‌شود. امیال مردم باید تفکر و نیازهای آنها را تحت‌الشعاع قرار دهد. در فرآیند تبلیغات، فرد دچار هیجان می‌شود، سپس به اوج می‌رسد و دوباره تخلیه می‌شود تا به این وسیله انرژی او در مسیر سیاسی قرار نگیرد (برنایز، ۱۹۲۸، ۹۷۱-۹۵۸). اما، ترویج عقلانی باورهای دینی و هدایت مخاطبان از مقدمات به سوی نتایج مستدل، به زمان بیش‌تری نسبت به برانگیختگی هیجانی نیاز دارد و احتمال دارد این رقابت، به غلبه هیجان بر عقل بیانجامد و عقاید ناصحیح و جدید به مخاطب القا شود. در چنین فضایی، ضرورت دارد مربی نیز از عنصر خیال و تحریک عواطف، استفاده نماید تا مخاطب، را به باورهای دینی متمایل کند؛ اما باید یادآور شد که دین مبتنی بر احساسات، زمینه را برای نفوذ خرافات و انحراف فراهم می‌کند. بنابراین، لازم است برای اجتناب از خطاهای خیال، این قوه تحت قیمومیت عقل نظری و وحی، تربیت شود، تا خیال بتواند به عنوان ابزاری، فرد را قادر به تجسم معقول به محسوس نماید. بنابراین، تبلیغات حرفه‌ای و همراه‌کننده، ایجاد جو کاذب فکر و القای تفکرات ناصحیح، به عنوان ابزاری که قدرت تشخیص مخاطب را زایل و او را دستخوش احساس بی‌منطق نماید، در تربیت جایگاهی ندارد. دعوت و تربیت بر پایه وحی، واقع‌بینانه و منطقی و به تعبیر قرآن، بلاغ مبین است و به استفاده از شیوه‌ها و فنون اقناعی همراه‌کننده نیازی ندارد.

#### ۵-۲-۶- تقویت عوامل اراده

اراده یک کیفیت نفسانی غیر از علم است، با این توضیح که افرادی که در مادیات فرو رفته‌باشند، جز در برابر لذات مادی تسلیم نمی‌شوند و همین خوی باعث می‌شود که اراده آنها تحت فرمان و انقیاد حس و ماده قرار گیرد و جز آنچه را که حس و ماده تجویز کند، اراده نکنند. در واقع، انسان به صورت اختیاری چشم عقل خود را که ممیز بین خوبی‌ها و بدیها است، کور می‌کند؛ در نتیجه، حقیقت امر بر او پوشیده می‌شود. گاهی انسان می‌داند انجام فعل نیکویی برای او پیامدهای خوبی دارد و لازم است که انجام شود، اما از انجام آن منصرف می‌شود. در عصر کنونی، فضای سایبری به ویژه شبکه‌های اجتماعی ابزار مناسبی برای تحریک غرایز و عواطف کاربران محسوب می‌شوند. برنامه‌سازان این فضا، برای دستیابی به اهداف فرهنگی، سیاسی و در نهایت منافع روزافزون مادی خود، سعی در مشحون کردن دل مخاطبان از حب دنیا می‌کنند و اراده او را به سمت خواسته‌های دنیایی و نفسانی متمایل می‌نمایند. در نتیجه برخی مخاطبان، لذت و کمال سریع‌الوصول شهوی یا غضبی را بر می‌گزینند. بر عکس، اگر قلب انسان مشحون از حب عبودی باشد، وضعیت کاملاً متفاوت می‌شود، زیرا محبت خیالی، اراده خیالی را برمی‌انگیزد و محبت عقلانی، محرک اراده عقلانی خواهد بود. بر این اساس، تمامی فعالیت‌های انسان با دو صفت حب و بغض اداره می‌گردد؛ اما یقیناً اراده محکوم قطعی عواطف نیست؛ گرچه به میزان زیادی تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرد.

<sup>۱</sup> - rational

<sup>۲</sup> - conscious

<sup>۳</sup> - Edward Bernays

<sup>۴</sup> - The Engineering of Consent

دومین عنصر چالش برانگیز پس از عواطف، که در عصر حاضر بیش از گذشته ظهور و بروز کرده است و بر اراده متربی تأثیر می‌گذارد، الگوهای اجتماعی ناصالح هستند. رسانه‌های نوین ارتباطی در قالب شبکه‌های اجتماعی و تعامل دوسویه توانسته‌اند "من جمعی" کاربران را بر "من فردی" او غلبه دهند و متعاقب آن، فرد فرد افراد جامعه تحت استقلال مجموع و انبوه خلق، استقلال خود را از دست داده و در جمع مستهلک می‌شوند و اراده فرد به شدت تحت تأثیر اراده گروه قرار می‌گیرد. زیرا به دلیل، نیرومندتر بودن قوا و خواص اجتماعی نسبت به قوا و خواص فردی، غالب افرادی که اراده ضعیفی دارند، به شدت تحت تأثیر جو قرار می‌گیرند. اگرچه محدود افراد صالح و خودساخته‌ای در میان اجتماعات فاسد زندگی کرده‌اند، که به رنگ افکار فاسد جامعه در نیامده‌اند. وقتی انسان شاهد کثیری از افراد جامعه باشد که به حق عمل می‌کنند، او هم بیشتر به انجام آن تشویق می‌شود و بدون واهمه و تعلل انجام می‌دهد؛ برعکس، مخالطه با اهل معصیت انسان را با گناه مأنوس می‌کند و احتمال انجام اعمال باطل را افزایش می‌دهد. تحقیقات جدیدی که کوئینگ<sup>۱</sup> و همکاران او در این زمینه انجام داده‌اند حاکی از آن است که در دنیای واقعی، ارتباطات سالم اجتماعی و دمکراتیک تشویق می‌شود؛ اما، توصیه به این هنجارها در فضای مجازی وجود ندارد و به جای آن، پست‌ها<sup>۲</sup> و نظرات در توییتر و فیس‌بوک<sup>۳</sup>، درخواست‌های آنلاین و وبلاگ‌ها با احساساتی از نوع خصومت و اضطراب پر می‌شود و با ابزار محتوا یکدیگر را با سرعت زیاد گلوله‌باران می‌کنند. این که مردم این‌گونه با مسائل اجتماعی روبرو می‌شوند، نگرانی‌ها را افزایش می‌دهد. زمانی که این مکالمات آنلاین مولد احساسات منفی می‌شود، می‌تواند با تغذیه منبع نگرانی در جامعه، سبب تأثیر منفی بر کل جامعه شود (۲۰۱۷، ۱۸-۱).

سومین عامل آسیب‌زایی که شرایط اجتماعی کنونی به آن دامن زده است ایجاد سستی در ملکات اخلاقی است. با تکرار عمل نیک به تدریج حالات و ملکات فاضله در انسان تشکیل می‌شود. ملکات، ارتباط مستقیمی با اراده دارند. زیرا اگر کاری برای انسان ملکه شود، سبب کاستن از دشواری عمل و تردیدها می‌شود و انجام آن آسان‌تر خواهد شد. هنگامی که کاربران با واسطه‌گری ابزار ارتباطی اینترنتی که مبدأ آن در کشور ما قرار ندارد به ترک عمل مناسب و انجام عمل خلاف تشویق می‌شوند، به دلیل سست شدن اراده، ملکه انجام عمل صالح را از دست می‌دهند.

## ۶. نقش ایمان در اخلاق‌ورزی

ضعف اراده عامل اصلی تخلف از علم است. شخصیت اخلاقی یا با تقوا، در مقابل انگیزه‌های مخالف مقاومت و از عقیده خود پیروی می‌کند، زیرا مشکل ضعف اراده، ناشی از سه عامل (۱) حب دنیا و حب شهوات، (۲) وجود الگوهای اجتماعی نامناسب یا فقدان الگوهای اخلاقی مناسب و (۳) عادت‌ها و ملکه‌های رذیله یا فقدان ملکه‌های فاضله می‌باشد. بنابراین، تربیت اخلاقی از طریق (۱) تعالی عاطفی، (۲) اصلاح شرایط محیطی و الگودهی مناسب و (۳) ایجاد ملکات اخلاقی می‌تواند اراده را تقویت و تا حدی شکاف میان معرفت و عمل اخلاقی را کاهش دهد. ایمان حقیقی به خدا که سبب تثبیت معرفت در قلب می‌شود، می‌تواند سه مؤلفه کلیدی عواطف، اراده و ملکات را متحول نماید. علاوه بر این، ایمان انگیزه قوی‌تری برای اخلاق‌ورزی فراهم می‌کند. چشم‌پوشی از لذت‌های شهوت و غضب و مقاومت در مقابل هواهای نفسانی نیاز به انگیزش بالایی دارد؛ اما انسان مادی سعادت‌ی جز لذات مادی تصور نمی‌کند و در اعمالش هدفی جز رسیدن به مزایای مادی ندارد. در واقع، ریشه بداخلاقی‌ها، فقدان ایمان به آخرت، استخفاف امر حساب و جزا و یا فراموشی موقت روز حساب می‌باشد. ایمان، عواطف را نیز تغییر می‌دهد؛ زیرا سبب تشدید محبت به

<sup>۱</sup> - Koenig

<sup>۲</sup> - posts

<sup>۳</sup> - Twitter and Facebook

خدا می‌شود<sup>۱</sup>. وقتی محبت خداوند قلب انسان را پر نمود، جایی برای حب دنیا و حب شهوات باقی نمی‌ماند، لذا، انسان با قاطعیت بیشتری در برابر وسوسه‌ها و خواسته‌های نفس مقاومت می‌کند و تن به دشواری عمل خیر می‌دهد. ایمان، ملکات انسان را نیز شکل می‌دهد؛ زیرا در اثر ایمان، ترک گناه و مداومت بر طاعات، حالتی روحی به نام ملکه تقوا در نفس به وجود می‌آید که جامع تمام ملکات اخلاقی است. در مجموع، تبیین تعامل ایمان با معرفت، عواطف، الگوها و ملکات، التزام عملی انسان را بیشتر می‌کند و سبب می‌شود با تقویت عوامل اراده، مؤمن هرگز در قلب، اخلاق، جوارح و اعمال تخلف نکند و این همان غلبه بر شکاف میان معرفت و عمل است.

#### ۷. نتیجه‌گیری

روند تحقیق به شناخت آسیب‌های انگیزشی و شناختی در عصر حاضر و راهبردهایی برای اصلاح زیرساخت‌های امر تربیت، به منظور رفع مشکلات موجود در این عرصه انجامید. تجزیه و تحلیل مبانی نظری ما را به این دریافت رهنمود ساخت که پدیدآمدن عرصه‌های فاقد قواعد و هنجارها برای حل چالش‌های اجتماعی هر عصری، سبب سست شدن لایه‌های بنیادین اخلاق می‌شود و جامعه به غایت نهبی که پرورش انسان کامل است دست نمی‌یابد. نتایج این پژوهش منتج به ارائه راهکارهای جدیدی در عرصه تربیت در فضای دوجوانی با رویکرد معنوی گردید. به این ترتیب، اگر در تبیین فرآیند رسیدن به پیشرفت، به هنجارهای روزآمد متناسب با رویکرد معنوی و تربیت مبتنی بر وحی توجه نشود، به دلیل نپرداختن به امری زیربنایی، احتمال انحراف عقلی و علمی در تحلیل مسیر وجود خواهد داشت. در مجموع، بر این نکته تأکید می‌شود که تلاش در جهت شکوفایی و پرورش قابلیت‌ها و ظرفیت‌های معنوی و دینی آحاد جامعه، از مهمترین زمینه‌ها و شاخص‌های رشد و پیشرفت هر کشور در مسیر تحقق هدف اصلی خود، که رشد و تربیت انسان‌های فرهیخته و کامل است، می‌باشد. از این منظر، پیش‌بینی و فراهم کردن فرصت‌های تربیت که محور اصلی آنها پرورش معنویت و رشد توانمندی‌ها و خصایص معنوی افراد جامعه باشد، اهمیت خاصی می‌یابد. با توجه به مطالب بیان شده، این مقاله در حکم تلاشی برای ترسیم نقش و جایگاه معنویت در تبیین و تحلیل چالش‌های فردی و اجتماعی عصر حاضر به شمار می‌رود. بدیهی است توجه به جایگاه معنویت و تربیت وحیانی و گنجاندن آن در قالب سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی نهادها و سازمان‌ها می‌تواند اهداف مورد نظر در چشم‌انداز پیش‌نویس الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت را تأمین نماید.

#### ۸. پیشنهادات

- براساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهادهای زیر برای ایجاد تحول در نظام تربیت اخلاقی قابل طرح است:
- تغییر رویکرد تربیت اخلاقی از شناخت- محوری به تقویت اراده علاوه بر تقویت شناخت و معرفت؛
  - آموزش عملی اخلاق با تمرین تدریجی علم توأم با عمل با هدف تثبیت ملکه‌های فاضله در قلب متربی؛
  - توجه به جایگاه محوری ایمان در اخلاق، آراسته‌بودن مربی به آن و تلاش در جهت تقویت آن در متربی؛
  - ترغیب و تشویق متربیان به تعقل، ژرف‌اندیشی و تفکر انتقادی، به مثابه ابزاری برای کسب بینش و معرفت عمیق دینی و معنوی؛

<sup>۱</sup> - الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدَّ حُبًّا (بقره، ۱۶۵)

- پرورش عقلانیت در مجموعه‌ای هماهنگ میان خانواده‌ها، آموزش و پرورش، آموزش عالی و آموزش همگانی در سطح فرهنگ عمومی.

## ۹. راهکارهای سیاستی در جهت تکمیل الگوی پایه پیشرفت

شناخت آسیب‌های تربیت اخلاقی می‌تواند بر ثمردهی فرایند تربیت به میزان قابل توجهی بیفزاید. از این رو راهبردهایی برای تبیین مباحث اخلاق کاربردی ارائه می‌گردد:

- ۱) سامان‌دهی نظام تربیت مربیان کارآمد و عاملان اخلاقی؛
- ۲) تدوین برنامه‌های نظام‌مند برای آموزش والدین به عنوان اولین الگوهای اخلاقی فرزندان؛
- ۳) محوریت برنامه‌سازی صدا و سیما بر اساس جذب مخاطبان با رویکرد تربیتی-تفریحی سالم و اجتناب از ترویج فرهنگ تجمل‌گرایی؛
- ۴) گنجاندن مفاهیم و موضوعات مرتبط با معنویت در قالب محتوای کتب درسی مدارس و دانشگاه‌ها؛
- ۵) فراهم کردن فرصت و زمینه‌های لازم در کلاس‌های درس برای طرح بحث پیرامون پرسش‌های بنیادین و هستی‌شناختی متناسب با گروه سنی فراگیران؛
- ۶) ضرورت راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات و بهره‌گیری از فناوری‌های ملی تسریع‌کننده زمان دسترسی<sup>۱</sup>؛
- ۷) راه‌اندازی شبکه‌های اجتماعی داخلی سالم و قدرت‌مند برای جایگزینی شبکه‌های اجتماعی مخرب؛
- ۸) بالابردن سطح آگاهی و سواد رسانه‌ای کاربران در جهت رشد و تقویت تفکر انتقادی و آموزش استفاده انتخابی و مدیریت‌شده از محصولات رسانه‌ای مناسب؛
- ۹) تربیت مربیان آگاه به آموزه‌های دینی و نیز رسانه‌های نوین، برای آموزش دروس جدید مهارتی، کارگاهی و اندیشه‌ورزی؛
- ۱۰) استفاده از امکانات، تجهیزات و برنامه‌های جدید رسانه‌ای به عنوان فرصت‌های فرهنگی براساس الگوی برنامه‌ریزی‌شده؛
- ۱۱) آگاه‌ساختن کاربران به سهم عظیم فضای مجازی در تحکیم و یا تضعیف پایه‌های امنیتی کشور؛
- ۱۲) نیازسنجی مستمر از پرسش‌های جوانان در عرصه اخلاق، دین و معنویت، با توجه به کاربری‌های متعدد آنان از محتواهای رسانه‌های نوین؛
- ۱۳) دریافت بازخورد کاربران شبکه‌های اجتماعی، به منظور جلوگیری از القای سطحی‌نگری و ابهام معنایی؛
- ۱۴) بازنشر صحیح و سریع پاسخ‌ها در فضای مجازی با هدف رفع ابهام و جلوگیری از انتشار مطالب نادرست؛
- ۱۵) شناسایی انتظارات کاربران متعامل، خلاق و فعال فضای مجازی، با هدف کمک به حضور گسترده‌تر و مؤثرتر آنها در صحنه جهانی؛
- ۱۶) تمرکز مربیان اخلاق به عامل تقویت اراده مخاطبان؛ به دلیل اهمیت نقش اراده نسبت به آموزش سواد رسانه‌ای (اگر اراده ضعیف باشد افزایش سواد آموزشی یا رسانه‌ای کمکی نمی‌کند).

## فهرست منابع

منابع فارسی:

<sup>۱</sup> - data Cloud

## هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایه به سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدهم و بیستم اردیبهشت ماه ۱۳۹۷

۱. ابوطالبی، مهدی. (۱۳۸۸). تربیت دینی از دیدگاه امام علی (علیه السلام). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۲. احمدی، احمد. (۱۳۶۸). اصول روشهای تربیت در اسلام. اصفهان: انتشارات بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان.
۳. اردبیلی، سید عبدالغنی. (۱۳۸۵). تقریرات فلسفه امام خمینی. جلد ۳، تهران: نشر عروج.
۴. بختیار نصرآبادی، حسنعلی؛ نوروزی، رضا علی. (۱۳۸۲). راهبردهای جدید آموزشی در هزاره سوم. قم: سما قلم.
۵. برزونی، محمدعلی. (۱۳۷۹). معنویت: نیاز پایای انسان و رمز ماندگاری جوامع انسانی. معنویت در مکتب امیرالمؤمنین، مجموعه مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و مقالات، تهران: انتشارات مرکز آموزش و پژوهش علوم اسلامی.
۶. بهشتی، سعید. (۱۳۸۶). آیین خردپروری. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
۷. بهشتی، سعید. (۱۳۸۹). تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
۸. تافلر، الوین. (۱۳۸۵). موج سوم. ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: نشر علم.
۹. تیمیمی آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۲). شریعت در آئینه معرفت. قم: انتشارات مرکز نشر فرهنگی رجا.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۲). انتظار بشر از دین. قم: انتشارات اسراء.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۲). عقل در هندسه معرفت دینی. قم: انتشارات اسراء.
۱۳. رزاقی، هادی. (۱۳۷۹). تربیت بر مدار توحید. مجموعه مقالات تربیت در سیره و کلام امام علی (علیه السلام)، ۱۸۲ - ۱۶۴.
۱۴. دایی زاده، حسین؛ فلاح، وحید؛ حسین زاده، بابک؛ و حسین پور، حسینعلی. (۱۳۹۲). تأثیر فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) بر مهارت‌های دانش‌آموزان سوم متوسطه. فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، شماره ۹، ۹۲ - ۷۵.
۱۵. شریعتمداری، علی. (۱۳۸۰). تعلیم و تربیت اسلامی. جلد ۱۵، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۶. شهیدی، شهریار. (۱۳۷۹). روان‌درمانی و معنویت. سخنرانی ماهانه انجمن روان‌شناسی ایران، تهران: انتشارات فرهنگ‌سرای اندیشه.
۱۷. شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی ابن بابویه قمی. من لایحضره الفقیه. جلد ۴، حدیث ۵۸۲۱.
۱۸. صمدی، پروین. (۱۳۸۵). هوش معنوی. فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی، شماره ۳ و ۴، ۱۱۴ - ۹۹.
۱۹. طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۸۵). تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، تهران: کانون انتشارات محمدی.
۲۰. علم‌الهدی، جمیله. (۱۳۷۹). غایت‌شناسی تربیت علوی. مجموعه مقالات تربیت در سیره و کلام امام علی (علیه السلام)، ۱۶۲ - ۱۳۳.
۲۱. علم‌الهدی، جمیله. (۱۳۸۳). جنسیت در تربیت اسلامی. مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۸، ۹۲ - ۵۹.
۲۲. غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلیا؛ نوری مقدم، ثنا. (۱۳۸۶). هوش معنوی. فصلنامه علمی و پژوهشی اندیشه‌های نوین دینی، شماره ۱۰، ۱۴۷ - ۱۲۵.
۲۳. فرامرزی، سالار؛ همایی، رضا؛ سلطان‌حسینی، محمد. (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان. دوفصلنامه علمی تخصصی مطالعات اسلام و روانشناسی، شماره ۵، ۲۳ - ۷.
۲۴. قربانی، مهدی. (۱۳۸۹). جامع الاحادیث امام رضا (علیه السلام)، مشهد: انتشارات قاف.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۵). الکافی. جلد ۲، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. نقیب‌زاده، میرعبدالحسین. (۱۳۷۴). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. تهران: انتشارات طهوری.

۲۷. مایرز، چت. (۱۳۷۴). آموزش تفکر انتقادی. ترجمه خدایار ابیلی، تهران: انتشارات سمت.
۲۸. مجلسی، علامه محمدباقر. بحار الأنوار. جلد ۶۴.
۲۹. محمدنژاد، حبیب؛ بحیرانی، صدیقه؛ حیدری، فائزه. (۱۳۸۸). مفهوم هوش معنوی مبتنی بر آموزه‌های اسلام. فصلنامه علمی - پژوهشی فرهنگ در دانشگاه اسلامی، شماره ۲، ۹۶-۱۱۶.
۳۰. معلمی، صدیقه؛ رقیبی، مهوش؛ سالاری درگی، زهره. (۱۳۸۹). مقایسه هوش معنوی و سلامت روان در افراد معتاد و غیرمعتاد. مجله علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی صدوقی یزد، ویژه‌نامه همایش رفتارهای پرخطر، شماره ۳، ۲۳۵-۲۴۲.
۳۱. میرلوحی، مرتضی. (۱۳۸۷). اهمیت تربیتی سکوت. کتاب برنامه درسی؛ نظرها، رویکردها و چشم‌اندازها، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۳۲. یعقوبی، ابوالقاسم. (۱۳۸۹). بررسی رابطه هوش معنوی با میزان شادکامی دانشجویان دانشگاه بوعلی همدان. فصلنامه پژوهش در نظام‌های آموزشی، شماره ۹، ۹۵-۸۵.

منابع انگلیسی:

۳۳. Bernays, Edward. (۱۹۲۸). Manipulating Public Opinion: The Why and The How. American Journal of Sociology, Volume ۳۳, Issue ۶ (May, ۱۹۲۸), ۹۵۸-۹۷۱.
۳۴. Brillhart, B (۲۰۰۵). A Study of Spirituality and Life Satisfaction Among Persons with Spinal Cord Injury. Rehabil Nurs. ۳۰ (۱). P.P. ۳۱-۳۴. Available at: www.Pubmed.com.
۳۵. Duffy, R. D. (۲۰۰۵). The Relationship Between Spirituality, Religiousness and Adaptability. Journal of Vocational Behavior, ۶۷ (۳). ۴۲۹-۴۴۰.
۳۶. Elkins, D. N., Hedstrom, L. J., Huhges, L. L., Leaf, J. A & Saunders. C. (۱۹۸۸). Toward a Humanistic Phenomenological Spirituality: Definition, Description, and Measurement. Journal of Humanistic Psychology, ۲۸ ۲۸ (۴). ۵-۱۸.
۳۷. Fabricator, A. Handle, P & Fenzel, M. (۲۰۰۰). Personal Spirituality as a Moderator Between Stressor and Subjectives Well-Being". Journal of Psychology and Theology. ۲۸ (۳): ۲۲۱-۲۲۸.
۳۸. Kaplan, A. & Haenlein, M. (۲۰۱۰). User of World, unite! The Challenges and Opportunities of Social Media. Business Horizons, ۵۳(۱), ۵۹-۶۸.
۳۹. Koenig, Abby and McLaughlin, Bryan. (۲۰۱۷). Change is an emotional state of mind: Behavioral responses to online petitions, new media & society, Texas Tech University, USA, journals.sagepub ۱-۱۸.
۴۰. Nasel, D. (۲۰۰۴). Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A Consideration of Traditional Christianity and New Age/Individualistic Spirituality. Unpublished thesis. Australia: The University of South Australia.
۴۱. Noh, Younghee. (۲۰۱۶). A study on the effect of digital literacy on information use behavior. Journal of Librarianship and Information Science, Konkuk University, South Korea, ۱-۳۱.
۴۲. Sahu, Tapan Kumar. Pradhan, Shikha Rani (۲۰۰۸). A Conceptual Analysis Of Spiritual Intelligence and Its Relevance. Available at: <http://shiram college. academia. edu/Tapansahu/papers/>.
۴۳. Tacey, D. J. (۲۰۰۳). The Spirituality Revolution: the Emergence of Contemporary Spirituality. Sydney, Australia: Harper Collins Publishers.
۴۴. Tacon, A. M. Coldera, Y., & Randolph, P. (۲۰۰۳). Mindfulness Meditation, Anxiety Reduction and Health Disease: A Pilot Study. the Department of Health, Exercise, Sport and Science. Texas Tech University. USA. No. ۱۲۸۰۲۱۲۵.
۴۵. Tisdell, E. J. (۲۰۰۳). Exploring Spirituality and Culture in Adult and Higher Education. San Francisco: Jossey - Bass.
۴۶. Vaughan, F. (۲۰۰۲). What Is Spiritual Intelligence? Journal of Humanistic Psychology. ۴۲ (۲), ۱۶-۳۳.
۴۷. Wilber, K. (۲۰۰۰). Integral Psychology. Boston: shambhala.

بہترین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ از الگوی پایہ بہ سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ نوزدہم ویستم اردیہبشت ماہ ۱۳۹۷

۴۸. Zamani, B. E. & Dehghani, M. (۲۰۰۸). Fourth grade Hedyeh-haye- asemani book and workbook Being active or passive. Educational and Psychological Research, ۲۰۰۸, ۱(۹), pp. ۱-۲۲.
۴۹. Zohar, D. Marshall, I. (۲۰۰۱). SQ: Spiritual Intelligence, The Ultimate Intelligence. London: Bloomsbury Publishing.

#